

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن - المان

حاجی زرنگی

سر ما حاجی کرده کلنگی
به مثل ببر و گفتار و پلنگی
نوشته از فراق و سوز هجران
به وصل گلرخان انداخته چنگی
سروده نقدک مرچ و نمکدار
که داره با من بیچاره جنگی
سپاه طبع خود آماده کرده
به دست هریکی ، توپ و تفنگی
عجائب کودتا و انقلابی
نموده حضرت حاجی زرنگی
گهی رفته به صحرا پشت مجنون
گهی از مهر لایلا خورده سنگی
نوشته طعنه با تلوار گفتار
به روی صفحه تدبیر تنگی
ولاکن تیغ حرفش ، سوی بنده
ز پندش جام ما ، پر از شرنگی
ندانم از چه با من لج نموده
نژنگ و ینگ منگش بوده ونگی

به هر شهری که رفتم ، نیز رفته
به همراهی شراب و چرس و بنگک
نموده میلِ پودر ، بی تحمّل
چو تریاکی ، بسی لنگان و لنگ
گهی شیخ و گهی مفتی و قاضی
گهی صوفی و گه ملا ملنگ
چه آهنگِ بدیعی ، ساز کرده
به رقص آورده دل بی تار و چنگ
ولاکن ، شاعرِ شیوا بیانست
نوشته پاسخم را ، بی درنگ
ردیف و قافیه از ما گرفته
بکوبیده همه را در اونگ
خمیرش کرده بادستِ صداقت
زواله های چیده ، بر تبنگ
تنورِ وحدتی ، آتش نموده
ز غیرت پخته نان و آشِ ننگ
به رویِ سفره فرهنگ ، چیده
که نوشِ جان کند ، هر شوخ و شننگ
و خود نا خورده ، بسکه مست گشته
گرفته بیل و خفته در پشننگ
خبر شد تا ، ز جریان ، خامه من
به جولان آمد و ، قی کرد رنگ
وطن گم کرد و ، چون ما در بدر شد
اجیرِ مفتی ، در ملکِ فرننگ
بیا « نعمت » سرودِ عشق سرکن
نه حرفِ مفت و زشت و نه جفننگ